

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه الوكالة  
از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی

.....

مؤلف: مُحَقِّقُ الْحَلِيِّ (أبو القاسم نجم الدين جعفر بن حسن رحمته الله)  
مترجم: مهدی رحیمی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: رحیمی، مهدی، ۱۳۶۴ -
عنوان قراردادی	: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام . فارسی - عربی. برگزیده. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: فقه‌الوکاله از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی / مؤلف محقق‌الحلی (ابوالقاسم‌نجم‌الدین‌جعفرین‌حسن‌رحمه‌الله)؛ مترجم [او شارح] مهدی رحیمی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۴۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۸۸-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا	
یادداشت	: کتاب حاضر شرح بخشی از کتاب «شرایع‌الاسلام فی مسائل الحلال والحرام» تألیف محقق حلی است.
موضوع	: محقق حلی، جعفرین‌حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ق. شرایع‌الاسلام فی مسائل الحلال والحرام -- نقد و تفسیر
موضوع	: فقه جعفری -- قرن ۷ق.
موضوع	: Islamic law, Ja'fari -- 13th century*
موضوع	: وکالت (فقه)
موضوع	: Mandate (Contract) (Islamic law)*
شناسه افزوده	: محقق حلی، جعفرین‌حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ق. شرایع‌الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. برگزیده. شرح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۴۰۴۲۳۴۶۳ ش ۳/م ۱۸۲/ب P
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۱۸۶۸۰

نام کتاب	: فقه‌الوکاله از شرایع‌الاسلام با ترجمه فارسی
ناشر	: چتر دانش
مترجم	: مهدی رحیمی
نوبت و سال چاپ	: دوم - ۱۳۹۸
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۸۸-۲
قیمت	: ۳۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ‌منبری جاوید(اردیبهشت‌شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرترفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

## فهرست

۵.....	مقدمه
۶.....	کتاب وکالت
۶.....	عقد وکالت
۱۳.....	آنچه نیابت در آن صحیح نیست
۱۷.....	موکل
۲۱.....	وکیل
۳۰.....	چیزهایی که وکالت را ثابت می کند
۳۴.....	احکام وکالت
۳۹.....	تنازع بین وکیل و موکل

## مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على خير خلقه و أشرف بريته محمد المصطفى و آله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين

این کتاب ترجمه و شرحی در تبیین کتاب شرائع الاسلام تألیف جعفر بن حسن محقق حلی است. مرحوم محقق حلی از مشهورترین فقهای عصر خویش است و دارای عظمت و اعتبار خاص در میان مجتهدان می باشد، به حدی که وقتی کلمه «محقق» را بدون قرینه و نشانه‌ای در میان فقها ذکر کنند، شخصیت تحقیقی و علمی ایشان مورد نظر است.

محقق حلی فقه و اصول را در نزد پدرش حسن بن یحیی آموخت و از محضر فقهای مشهور حله، مانند ابن نما و سید فخار موسوی- شاگرد ابن ادریس حلی- بهره برد. محقق با یک واسطه شاگرد ابن زهره و ابن ادریس حلی است و استاد علامه حلی بوده است.

مرحوم محقق در زمینه‌های منطق، کلام و ریاضیات و هیئت تبحر داشته است و خواجه نصیرالدین طوسی متکلم و ریاضی‌دان مشهور، با او در حله ملاقات کرده است و در جلسه درسش حضور یافته است. کتابهای محقق همچون معارج الاصول، تلخیص الفهرست، شرح نکت النهایه و معارج الاحکام و... مخصوصاً کتاب شرایع الاسلام همیشه مورد توجه طلاب است چرا که این کتاب مشتمل بر فتوای مشهور فقهای قدیم می باشد. و فقهای بسیاری این کتاب را شرح کرده و یا حاشیه بر آن نوشته‌اند.

محقق حلی در سال ۶۷۶ ه.ق در سن ۷۴ سالگی بدرود حیات گفت و بدن مطهر ایشان را در جوار بارگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپردند. (و بنا به نقل علامه سید حسن صدر صاحب کتاب تأسیس الشیعه در حله به خاک سپردند).

کتاب حاضر متن و ترجمه بخش وکالت از کتاب شرایع الاسلام است که به صورت مستقل از دیگر بخش‌های این کتاب منتشر می گردد.

ما در این کتاب سعی کرده‌ایم که با شرح و آوردن مثالهای آسان، کلمات آن بزرگوار را تبیین نماییم تا موجب تسهیل طلاب و دانشجویان که قصد خواندن این کتاب ارزشمند را دارند، شود و خداوند را شاکرم که توفیق این امر را برای حقیر فراهم نمود.

در پایان از همه کسانی که بنده را در چاپ و نشر این مجموعه یاری رساندند کمال تشکر را دارم.

مهدی رحیمی  
اردیبهشت ۱۳۹۶

## کتاب الوكالة

وَ هُوَ يَسْتَدْعِي بَيَانَ فُضُولٍ:

### الأول: في العقد

۱ وَ هُوَ اسْتِنَابَةٌ فِي التَّصَرُّفِ وَ لَا بُدَّ فِي تَحَقُّقِهِ مِنْ إِجَابٍ ذَالٍ عَلَيِ الْقَصْدِ كَقَوْلِهِ وَكَلْتِكَ أَوْ اسْتَنْبَتِكَ أَوْ مَا شَاكَلَ ذَلِكَ. وَ لَوْ قَالَ وَكَلْتَنِي، فَقَالَ: نَعَمْ، أَوْ أَشَارَ بِمَا يَدُلُّ عَلَيِ الْإِجَابَةِ، كَفِي فِي الْإِجَابِ.

۲ وَأَمَّا الْقَبُولُ: فَيَقَعُ بِاللَّفْظِ كَقَوْلِهِ: قَبِلْتُ أَوْ رَضِيْتُ أَوْ مَا شَابَهَهُ. وَقَدْ يَكُونُ بِالْفِعْلِ، كَمَا إِذَا قَالَ وَكَلْتِكَ فِي الْبَيْعِ، فَبَاعَ. وَ لَوْ تَأَخَّرَ الْقَبُولُ عَنِ الْإِجَابِ لَمْ يَفْدَخْ فِي الصَّحَّةِ، فَإِنَّ الْعَاثِبَ يُوَكَّلُ وَالْقَبُولُ يَتَأَخَّرُ.

## کتاب وکالت

شامل چند فصل است

### فصل اول: عقد وکالت

۱ عقد وکالت در واقع نایب گرفتن در تصرف است و با ایجابی که دلالت بر قصد وکالت بکند مثل «وکلتک» (تو را وکیل کردم) و یا «استنتک» (تو را نایب قرار دادم) یا الفاظی شبیه به آن محقق می‌گردد و اگر وکیل بگوید: تو مرا وکیل کردی و موکل بگوید: بله و یا اشاره‌ای کند که دلالت بر قبول کردن باشد در (اینکه) ایجاب (محقق شده باشد) کفایت می‌کند.

۲ اما قبول وکالت: گاهی با لفظ واقع می‌شود مثل «قبلت» (قبول کردم) «رضیت» (راضی شدم) یا الفاظی شبیه به آن و گاهی با فعل صورت می‌گیرد، مثلاً بگوید: من تو را وکیل در فروش (فلان چیز) کردم و وکیل آن را بفروشد. و اگر قبول آن از ایجاب به تأخیر بیفتد، (مثلاً) قبول کردم را بعد از دو روز بگوید) در صحت عقد وکالت خدشه‌ای ایجاد نمی‌شود، بنابراین، شخص غائب می‌تواند وکیل شود و قبول او متأخر از ایجاب باشد.

۳ وَ مِنْ شَرْطِهَا أَنْ تَفَعَّ مُنْجَزَةً، فَلَوْ عَلَّقْتَ بِشَرْطٍ مُتَوَقَّعٍ أَوْ وَقْتٍ مُتَجَدِّدٍ، لَمْ يَصَحَّ. نَعَمْ لَوْ نَجَزَ الْوَكَالَهَ، وَ شَرَطَ تَأْخِيرَ التَّصَرُّفِ، جَازَ.

۴ وَ لَوْ وَكَّلَهُ فِي شِرَاءِ عَبْدٍ، إِفْتَقَرَ إِلَيْهِ وَصْفِهِ لِيَنْتَفِي بِالْعَرُزِ وَ لَوْ وَكَّلَهُ مُطْلَقاً لَمْ يَصِحَّ عَلِي قَوْلٍ، وَ الْوَجْهُ الْجَوَازُ.



۳ و از جمله شروط عقد وکالت این است که باید به صورت منجز (بدون تعلیق و شرط و اما و اگر) واقع شود، بنابراین اگر به شرطی که امید حصول آن شرط است معلق گردد، (مثلاً بگوید: تو را وکیل کردم اگر پدرم راضی باشد) و یا به وقت خاصی که حتماً واقع خواهد شد معلق گردد، (مثلاً بگوید: تو را وکیل کردم اگر آفتاب غروب کند) صحیح نیست. بله، اگر وکالت را به صورت منجز (بدون شرط) واقع سازد، و شرط کند که تصرف در آن مال موکل به تأخیر بیفتد، جایز است. (مثلاً بگوید: تو را در فروش خانه‌ام وکیل کردم به شرط آنکه آن را نفروشی تا پدرم راضی شود و یا تا جمعه از راه برسد.)

۴ و اگر کسی را در خرید غلامی وکیل کند، باید آن عبد را برای وکیل توصیف کند، تا هیچ‌گونه ضرر و (اختلافی) پیش نیاید، و اگر او را به نحو مطلق وکیل کند، (و عبد را توصیف نکند) یک نظر این است که وکالت صحیح نیست، اما نظر بهتر این است که جایز است.

۵ وَ هِيَ عَقْدٌ جَائِزٌ مِنَ الطَّرَفَيْنِ، فَلِلْوَكِيلِ أَنْ يَعْزِلَ نَفْسَهُ، مَعَ حُضُورِ الْمُوَكَّلِ وَ مَعَ غَيْبَتِهِ. وَ لِلْمُوَكَّلِ أَنْ يَعْزِلَهُ بِشَرْطِ أَنْ يَعْلِمَهُ الْعَزْلَ. وَ لَوْ لَمْ يَعْلَمْهُ لَمْ يَنْعَزِلْ بِالْعَزْلِ. وَ قِيلَ: إِنَّ تَعَدُّرَ إِعْلَامِهِ فَأَشْهَدَ أَنْعَزَلَ بِالْعَزْلِ وَ الْإِشْهَادِ، وَ الْأَوَّلُ أَظْهَرُ.

۶ وَ لَوْ تَصَرَّفَ الْوَكِيلُ قَبْلَ الْإِعْلَامِ، مَضَى تَصَرُّفُهُ عَلَيِ الْمُوَكَّلِ. فَلَوْ وَكَّلَهُ فِي اسْتِيفَاءِ الْقِصَاصِ ثُمَّ عَزَلَهُ فَأَقْتَصَّ قَبْلَ الْعِلْمِ بِالْعَزْلِ وَقَعَ الْاِقْتِصَاصُ مَوْقِعَهُ.



۵ عقد وکالت از جانب هردو طرف قرارداد، عقدی جایز است (و طرفین هر وقت بخواهند می‌توانند آن را فسخ کنند)، بنابراین، وکیل در حضور موکل و یا در غیاب او می‌تواند خود را (از وکالت) عزل کند. و موکل می‌تواند وکیل را عزل کند، به شرطی که موضوع عزل را به اطلاع او برساند. و اگر عزل وکیل را به او خبر ندهد آن وکیل برکنار نمی‌شود. و نظر دیگر این است که: اگر نتواند به وکیل اطلاع دهد، (دو نفر) شاهد بگیرد، و در این صورت با عزل موکل و شهادت (دو نفر شاهد) آن وکیل منعزل می‌شود، اما نظر اول (عزل نمی‌شود الا با رسیدن خبر به وکیل) بهتر است.

۶ و اگر وکیل قبل از اطلاع از عزل شدن تصرفی بکند، آن تصرفش نسبت به موکل نافذ و صحیح خواهد بود. بنابراین اگر موکل او را در استیفای قصاص وکیل کند و سپس او را عزل کند، و وکیل قبل از علم به عزل قصاص را انجام دهد، قصاص صحیح خواهد بود (مثلاً اگر کسی پدر زید را کشت و زید، عمرو را وکیل کرد که قاتل پدرش را به عنوان قصاص بکشد و بعداً او را از این وکالت عزل کرد، اما خبر عزل او به عمرو نرسید و عمرو قاتل پدر زید را قصاص کرد، زید حق ندارد دیه‌ی پدر را از وکیل بگیرد؛ چرا که قصاص صحیح واقع شده است).



۷ وَ تَبْطُلُ الْوَكَالَهٗ بِالْمَوْتِ وَ الْجُنُونِ وَ الْإِغْمَاءِ مِنْ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا. وَ تَبْطُلُ وَكَالَهٗ الْوَكِيلِ بِالْحَجْرِ عَلَيِ الْمُوَكَّلِ فِيمَا يَمْنَعُ الْحَجْرُ مِنَ التَّصَرُّفِ فِيهِ، وَ لَا تَبْطُلُ الْوَكَالَهٗ بِالْتَّوْمِ وَ إِنْ تَطَاوَل.

۸ وَ تَبْطُلُ الْوَكَالَهٗ بِتَلْفِ مَا تَعَلَّقَتْ الْوَكَالَهٗ بِهِ كَمَوْتِ الْعَبْدِ الْمُوَكَّلِ فِي بَيْعِهِ، وَ مَوْتِ الْمَرْأَةِ الْمُوَكَّلِ بِطَلَاقِهَا. وَ كَذَا لَوْ فَعَلَ الْمُوَكَّلُ مَا تَعَلَّقَتْ الْوَكَالَهٗ بِهِ.

۹ وَ الْعِبَارَةُ عَنِ الْعَزْلِ أَنْ يَقُولَ: عَزَلْتُكَ أَوْ أَزَلْتُ نِيَابَتَكَ أَوْ فَسَخْتُ أَوْ أَبْطَلْتُ أَوْ نَقَضْتُ أَوْ مَا جَرِي مَجْرِي ذَلِكِ.



۷ و وکالت با مرگ و جنون و بی‌هوش شدن هریک از موکل یا وکیل باطل می‌شود، و اگر موکل محجور (ممنوع از تصرف در اموال) شود، وکالت وکیل در آن تصرفاتی که حَجْر مانع از انجام آنها می‌شود باطل می‌شود، (اما در تصرفاتی که حَجْر مانع از آن نیست مثل تبدیل خانه‌ای که در آن زندگی می‌کند یا ماشینی که سوارش می‌شود و طعام و فرش و مانند آنها، وکالت در این موارد باطل نمی‌شود).

و وکالت با خوابیدن، هرچند (چندین روز) طول بکشد باطل نمی‌شود.

۸ وکالت با تلف شدن آن چیزی که وکالت به آن تعلق گرفته باطل می‌شود، مثل مرگ عبدی که فروش آن مورد وکالت قرار گرفته است، و یا مرگ زنی که شوهر طلاق آن را به شخصی وکالت داده است. همچنین اگر خود موکل آن کاری را که به وکیل واگذار کرده شخصاً انجام دهد وکالت باطل می‌شود. (مثلاً عبدی را که به وکیلش دستور داده بود آن را بفروشد، خودش بفروشد).

۹ و عبارتی که دلالت بر عزل وکیل می‌کند این است که بگوید: تو را عزل کردم، نیابت تو را برطرف کردم، یا فسخ کردم، یا باطل کردم، یا نقض کردم، یا هر عبارت دیگری که (دلالت به عزل بکند و) جایگزین این عبارات شود. (مثلاً وکالت تو را معدوم کردم و...).

۱۰. وَإِطْلَاقُ الْوَكَالَةِ يَقْتَضِي الْإِتِّبَاعَ بِثَمَنِ الْمَثَلِ بِنَقْدِ الْبَلَدِ حَالًا، وَ أَنْ يَتَّبَعَ الصَّحِيحُ دُونَ الْمَعِيْبِ. وَ لَوْ خَالَفَ لَمْ يَصِحَّ، وَ وَقَفَ عَلَيَّ إِجَازَةَ الْمَالِكِ

۱۱. وَ لَوْ بَاعَ الْوَكِيلُ بِثَمَنِ فَأَنْكَرَ الْمَالِكُ الْإِذْنَ فِي ذَلِكَ الْقَدْرِ كَانَ الْقَوْلُ قَوْلَهُ مَعَ يَمِينِهِ، ثُمَّ تُسْتَعَادُ الْعَيْنُ إِنْ كَانَتْ بَاقِيَةً أَوْ مِثْلَهَا أَوْ قِيَمَتُهَا إِنْ كَانَتْ تَالِفَةً. وَ قِيلَ: يَلْزَمُ الدَّلَالُ إِتْمَامَ مَا خَلَّفَ عَلَيْهِ الْمَالِكُ، وَ هُوَ بَعِيدٌ.



۱۰. و (اگر موکل، وکالت را بدون هیچ قید و شرطی منعقد کند،) اطلاق وکالت در خرید، اقتضاء می‌کند که آن خرید با بهای متعارف و با پول رایج آن سرزمین و نقدی باشد، و اینکه جنس صحیح را بخرد نه معیوب. و اگر هر یک از این موارد انجام نشد معامله‌ی آن شیء صحیح نیست، و موقوف به اجازه‌ی مالک (موکل) است.

۱۱. و اگر وکیل، کالایی را در مقابل بها و ثمنی فروخت، و مالک منکر اجازه در آن مقدار از ثمن و قیمت معامله شد، (و گفت: من تو را وکیل نکردم که به این قیمت بفروشی؛ بلکه باید بیشتر می‌فروختی) ادعای موکل با قسم خوردن توسط او قبول می‌شود، و اگر آن کالا باقی باشد، پس گرفته می‌شود، و اگر از بین رفته باشد مثل یا قیمت آن پس گرفته می‌شود. نظر دیگر این است که: (آن کالا از مشتری پس گرفته نمی‌شود) بلکه بر وکیل (دلال) لازم است که مقدار اضافی که مالک ادعا کرده و بر روی آن قسم خورده را به موکل (مالک) بدهد، اما این نظر، نظر بعیدی است.